

شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی و علوم تربیتی

لیلا خسروی مراد: کارشناسی ارشد، گروه قرآن و علوم تربیتی، مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن جهاد دانشگاهی
زهرانقی زاده: دانشجوی دکتری، گروه قرآن و علوم تربیتی، مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن جهاد دانشگاهی
زهرانقی فیضی: دانشجوی دکتری، گروه قرآن و علوم تربیتی، مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن جهاد دانشگاهی
حمیدرضا یونسی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، جهاد دانشگاهی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۴۹-۷۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۷/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۲

چکیده

خطاپذیری دانش بشر، ماهیت مکمل‌سازی و چندتباری بودن دانش نیاز به مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی را ایجاد می‌کند؛ در این میان، دانش قرآنی با مطالعه در دو شاخه علوم قرآنی (به طور خاص) و معارف قرآنی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد؛ و از سوی دیگر تربیت و مفاهیم مرتبط با آن در بحث علوم تربیتی در رشته‌های دانشگاهی جای می‌گیرد. در این راستا و با توجه به اهمیت این مطالعات، مقاله حاضر با هدف شناسایی زمینه‌های پژوهشی در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای در دو دانش معارف قرآنی و علوم تربیتی تدوین شده است. روش انجام این پژوهش از نظر روش‌شناسی کیفی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. جامعه آماری شامل منابع کتابخانه‌ای و اسناد مرتبط بوده است. برای رسیدن به هدف پژوهش از معیارهای اندازه‌گیری و وزن‌های شناسایی شده توسط فیضی و نقی‌زاده (۱۳۹۵) استفاده شده است. بدین‌وسیله محقق با استفاده از این معیارها به بررسی منابع اطلاعاتی هر یک از وزن‌ها در رشته‌های علوم تربیتی و معارف قرآنی پرداخته است؛ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد علوم تربیتی در آموزش غیر رسمی نیاز به پژوهش بیشتری دارد و در دانش قرآنی، میزان پژوهش در شاخه معارف قرآنی بالاتر است. همچنین امکان پژوهش قرآنی در هر سه نوع آموزش وجود دارد، اما در رشته آموزش غیر رسمی بیشترین وزن را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها: معارف قرآنی، علوم تربیتی، میان‌رشته‌ای، آموزش غیر رسمی.



۱. مقدمه و بیان مسأله

رشد و توسعه علوم و توجه به جزئیات باعث شده است به رغم تفکیک و تقسیم‌بندی آنها در گرایش‌های مختلف، آنها به شدت با یکدیگر تلاقی داشته باشند. با توجه به اینکه علم در تولید، تجربه و گسترش، از منبع و وسیله‌ای به نام عقل انسانی برخوردار است، بنابراین به طور طبیعی همه‌ی علوم به رغم گستردگی دارای تشابهات و فصل مشترک‌های قابل تأملی هستند؛ زیرا همه‌ی علوم بر اساس نیاز و احتیاج مادی و معنوی انسان تعریف و تبیین می‌شوند و طبیعی است هر اندازه که حوزه مطالعات علم وسیع‌تر و پیچیده‌تر باشد، به همان نسبت آن علم از ویژگی‌ها و جایگاه خاصی برخوردار خواهد شد.

در این میان علوم انسانی معطوف به مطالعه اوصاف و ویژگی‌های انسانی و برخوردار از زیرشاخه‌های متنوع از جمله فلسفی، حقوقی، عقیدتی، هنری، زیباشناختی و سیاسی است که نمی‌توان آنها را به طور کامل از هم جدا کرد، بلکه تخصص‌گرایی، دقت و عمیق شدن در یک بعد و جهت باعث تجزیه و جدایی آنها از یکدیگر شده است. هرچند که اصلاح دینی به شدت بر دامنه توسعه و ارزش‌گذاری تجربه در عصر مدرن افزود و متعاقب آن به تدریج دانش تجربی بر تمام

ابعاد روحی، هنری، رفتاری و فرهنگی انسان سایه انداخت، اما باید عنایت داشت که چنین تفکیک و تبیینی رویکردی یک جانبه و ناقص بوده است؛ بنابراین ضرورت مطالعه بین‌رشته‌ای و تلاش برای بهره‌مندی از توانایی یکدیگر امری معقول، منطقی و دارای نتیجه مضاعف است (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص. ۲۰).

میان‌رشته‌گی باعث تحول تاریخی یک علم و منجر به پیوند معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن با یک علم دیگر می‌شود و علاوه بر کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی، دلالت بر نوعی کثرت‌گرایی روش‌شناختی نیز دارد (نبوی، ۱۳۹۵). همچنین میان‌رشته‌ای برنامه پژوهش مبتنی بر کثرت‌گرایی یا روش‌شناسی است که فرد محقق و پژوهشگر از سطح واحد و محدود به یک حوزه از دانش فراتر رفته و نسبت به دانش‌های مختلف ناظر بر مسأله‌ای واحد توجه نشان می‌دهد (قراملکی، ۱۳۸۰). از جمله علومی که میتوان با رویکرد میان‌رشته‌ای مورد مطالعه قرار داد، علوم قرآنی و علوم تربیتی است؛ چرا که این دو علم گستره‌ای از چند رشته را در بر می‌گیرند، نتایج بررسی پژوهش‌های صورت گرفته با محوریت میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که این دو علم با وجود برخورداری از ماهیت میان‌رشته‌ای تا کنون مورد کم توجهی واقع شده و به آنها آنطور که باید پرداخته نشده است. این در حالی است که تنوع موضوعات برای انجام مطالعات میان‌رشته‌ای در دو رشته علوم قرآنی و علوم تربیتی بسیار بالاست و می‌توان مطالعات زیادی در خصوص تحلیل، تطبیق و یا مقایسه موضوعات مختلف در این دو علم انجام داد، اما اینکه در این میان کدام یک از موضوع‌ها از الویت و اهمیت بیشتری برخوردار بوده و یا به عبارتی خلاء نبود مطالعه و تحقیق در آنها بیشتر احساس می‌شود از نکاتی است که لازم است محققین به آن توجه داشته باشند، که نقی زاده و فیضی (۱۳۹۵) به طور کلی مؤلفه‌هایی را شناسایی کردند که به محققین این امکان را می‌دهد که بتوانند زمینه‌های مورد نیاز برای پژوهش و یا به عبارتی خلاءهای موجود در هر موضوعی را با دادن وزن‌های متناسب به هریک و بر طبق الویت استخراج کنند، که این مؤلفه‌ها شامل هفت مورد (میزان خلاء پرداختن به موضوع، ظرفیت قرآنی پرداختن به موضوع، بازار پژوهش موضوع، تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط، میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه، توان تخصصی موجود در کشور و در برگیری موضوع) است، بر همین اساس در پژوهش حاضر سعی شده تا نسبت و وزن هریک از مؤلفه‌ها در دو رشته علوم قرآنی و علوم تربیتی مشخص و وضعیت خلاء مطالعاتی در هریک مورد بررسی قرار گیرد. لذا بررسی این هفت مؤلفه سوالهای پژوهش حاضر بوده که محقق قصد پاسخ به آنها را دارد. با توجه به آنچه که بیان شد می‌توان بیان کرد هدف پژوهش حاضر پاسخ به این دو سوال تحقیق است:

۱. حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای دانش قرآنی کدام و رتبه‌بندی آنها به چه صورت است؟
۲. حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای علوم تربیتی کدام و رتبه‌بندی آنها به چه صورت است؟

۲. تبیین شاخه‌های دانش قرآنی

برای شناخت هر دانشی، بررسی تعریف و شناخت قلمرو آن ضرورت دارد و در نظر گرفتن ارتباط آن با دیگر شاخه‌های معرفتی، عامل شناخت بهتر جایگاه آن دانش می‌شود؛ دانش قرآنی نیز از این قاعده مستثنی نیست. اصحاب پیامبر اسلام (ص) از همان روزهای نخستین نزول قرآن در فهم و تحقیق این کتاب بزرگ علاقه و جدیت عجیبی از خود نشان دادند و مطالب علمی ارزنده‌ای را از پیامبر اکرم (ص) و از سرچشمه فیاض قرآن آموختند که برای محققان و دانشمندان، تحقیقات مهمی را فراهم ساختند که بعداً «علوم قرآنی» نام گرفت (رادمنش، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۲).

علوم قرآنی، ترکیبی اضافی است و در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود؛ علوم قرآن به معنای عام: علوم را که در خدمت قرآن هستند و به مفسر در فهم معارف قرآن کمک می‌کنند، علوم و معارفی را که از قرآن استنباط می‌شوند و نیز علمی که قرآن را موضوع بررسی خود قرار داده‌اند را دربرمی‌گیرد؛ و علوم قرآن به معنای خاص^۱: فقط بر علوم متخذ از قرآن اطلاق می‌شود. تعریف مختار محقق از علوم قرآنی در این پژوهش «علوم و معارفی است که از قرآن استنباط می‌شود» و برخی آن را با عنوان «معارف قرآنی» بیان کرده‌اند؛ تفاوت علوم قرآنی به معنای خاص با معارف قرآنی، آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد، اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درونی قرآن و محتوای آن سروکار دارد (معرفت، ۱۳۸۱، ص. ۷)؛ لذا از این پس طبق تعریف مختار نویسنده، دانش قرآنی به دو دسته علوم قرآنی و معارف قرآنی در این مقاله تقسیم می‌شود. در ادامه محقق برای تبیین هرچه بیشتر منظور خود از دودسته معارف و علوم قرآنی به توضیح آنها پرداخته و اینکه چه حیطه‌هایی از این دو شاخه مد نظر محقق بوده و در مطالعه و بررسی‌های خود به آنها پرداخته است را مشخص کرده و توضیح و تعاریفی مختصر در خصوص هریک ارائه کرده است. پس از بیان تعریف دو دسته کلی از دانش قرآنی باید دانست هر یک از این دو دسته چه حیطه‌هایی را در عرصه قرآن کریم به خود اختصاص داده است.

۱. «علوم قرآنی» اصطلاحی است درباره مسائلی که مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن است (معرفت، ۱۳۸۱، ص. ۷)؛ به دیگر سخن؛ مقصود از «علوم قرآنی»، دانش‌هایی است که دانستن آنها برای فهم قرآن مجید و بیان معنا و تفسیر آن لازم است (حلی، ۱۳۷۴، ص. ۷). از مهم‌ترین مباحث این علوم عبارت است از: علم تفسیر، علم اعراب و قرائت، تأویل و تنزیل، شأن نزول آیات، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات مکی و مدنی، وحی و اعجاز قرآن (رادمنش، ۱۳۷۴، ص. ۲۱۲).

۱.۲. علوم قرآنی

علوم قرآنی، علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث کرده و موضوع در تمامی آنها قرآن است (صالحی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۸۰). این دسته از دانش قرآنی از بیرون به قرآن کریم نگریسته و از ابعاد مختلف به قرآن می‌پردازد، دانشمندان این حوزه انواع مختلفی را ذیل این تعریف از علوم قرآنی بیان کرده‌اند؛ تاجایی که برخی آن را چهل و هفت نوع و عده‌ای هشتاد نوع بیان کرده‌اند که تمامی این انواع از حالات و عوارض ذاتی قرآن بحث می‌کند. از جمله این انواع عبارتند از: تاریخ قرآن، قرائات، اعجازالقرآن، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه.^۳

۲.۲. معارف قرآنی

معارف قرآنی؛ در ابعاد خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، انسان‌سازی قرآنی (اخلاق)، برنامه‌های عبادی قرآن، احکام فردی قرآن و احکام اجتماعی قرآن بحث می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۶۱). شاخه‌های معارف قرآنی شامل تفسیر، تأویل و مفردات است. تفسیر بیان معانی آیات قرآن، کشف مقاصد و مدلول‌های آن است (طباطبایی، ۱۳۳۶) و تأویل به معنی مفهوم کلی آیه بر مصادیق موجود در زمان نزول قرآن و تطبیق آن بر مصادیقی که به مرور زمان پدید می‌آیند، است (ایزدی مبارکه، ۱۳۷۶)؛ همچنین مفردات نیز درباره تکواژه‌های قرآنی از نظر ریشه، اشتقاق لغوی، دلالت بر معنای مطلوب، مناسبات و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می‌کند (محمدی، ۱۳۸۱).

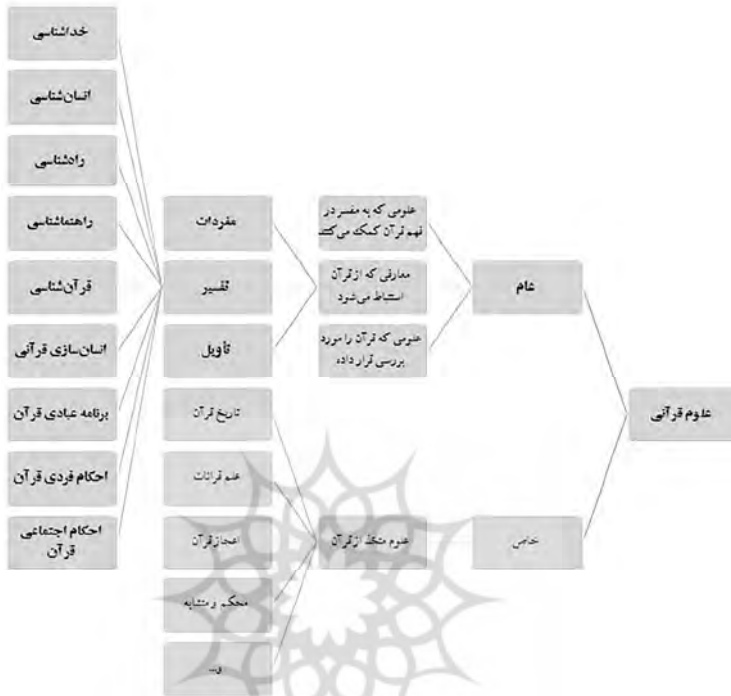
بنابراین با توجه به تعریف و دسته‌بندی مطرح شده از دانش قرآنی، مشخص و مبرهن است که آن دسته از این دانش در تلاقی با علوم تربیتی است که قرابت مفهومی و محتوایی بیشتری با مسائل و مباحث علوم تربیتی داشته باشد و از آنجا که علوم تربیتی به ابعاد وجودی انسان جهت آموزش و پرورش ایشان می‌پردازد قاعدتاً شاخه معارف قرآنی که توجه خاص به ابعاد مختلف انسانی را در خود جای داده است محل بحث در این رابطه بین‌رشته‌ای خواهد بود. بیشترین ارتباط در مسیر علوم قرآنی در دسته معارف قرآنی نیز مفردات، تفسیر، تأویل خداشناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، انسان‌سازی قرآنی، برنامه عبادی قرآن، احکام فردی قرآن، احکام اجتماعی قرآن است و دیدگاه مختار پژوهشگر این بخش از معارف قرآنی در تعامل با علوم تربیتی است.

دسته‌بندی شماره (۱) حیطه‌های دانش قرآنی را ذیلاً به نمایش می‌گذارد.

۱. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن.

۲. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن.

۳. از آنجا که این دسته در تلاقی با علوم تربیتی نیست به تمامی انواع آن که از حوصله بحث خارج است اشاره نشده است، برای دیدن این انواع به فهرست کتب علوم قرآنی همچون البرهان فی علوم القرآن زرکشی، الاتقان فی علوم القرآن سیوطی، التمهید معرفت مراجعه کنید.



نمودار شماره (۱) حیطه‌های دانش قرآنی

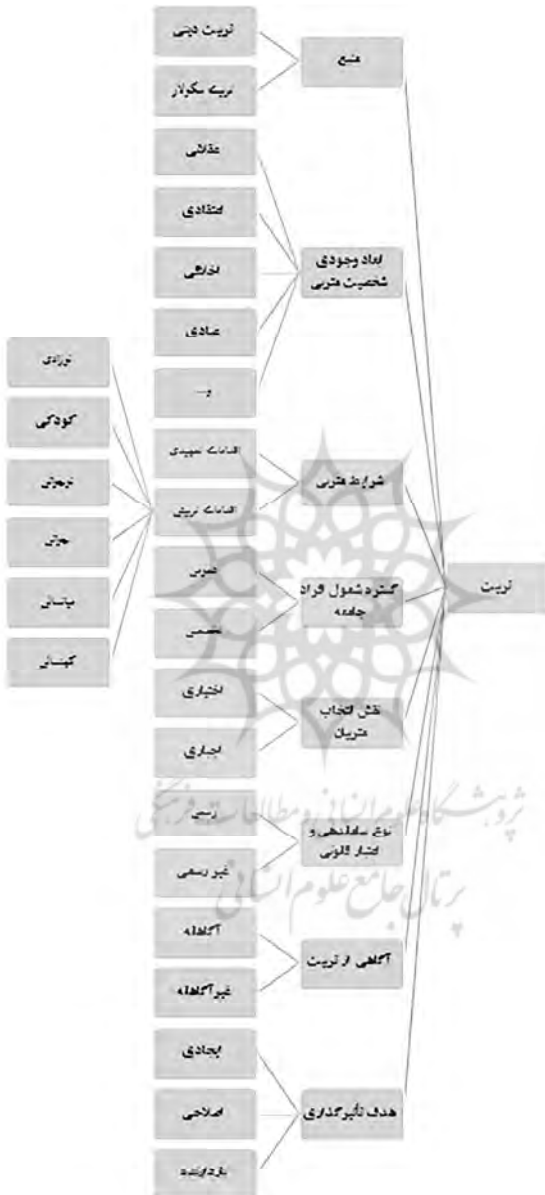
باتوجه به نمودار شماره (۱) علوم قرآنی در شاخه «عام» و در دسته «معارف» که از قرآن استنباط می‌شود» با سه رویکرد «مفردات، تفسیر و تأویل» در بعد انسان‌شناسی نشانگر بیشترین تلاقی مفهومی با رشته علوم تربیتی است؛ بنابراین در ادامه با تبیین شاخه‌های دانش علوم تربیتی ابعاد بیشتری از این تلاقی روشن خواهد شد.

۳. تبیین شاخه‌های دانش علوم تربیتی

علوم تربیتی مجموعه‌ای از دانش‌های به هم پیوسته است که به بررسی مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها و حل زمینه‌ها و عوامل تعلیم و تربیت می‌پردازد و از روش عقلی و بحث‌های فلسفی در تعلیم و تربیت و نیز روش‌های علمی و یافته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... در مباحث نظری و کاربردی سود می‌برد (فرمی‌هنی فراهانی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین تربیت و مفاهیم مرتبط با آن در بحث علوم تربیتی در رشته‌های دانشگاهی جای می‌گیرد، و این رشته نیز مانند قرآن، علمی میان‌رشته‌ای است و دارای شاخه و گرایش‌های متفاوتی است.

رشته علوم تربیتی را می‌توان در حوزه آموزش جامعه به سه دسته آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی و آموزش سازمانی تقسیم می‌شود. آموزش رسمی یک نظام آموزشی مدون سلسله مراتبی و رتبه‌بندی شده به ترتیب توالی

زمانی که در بازه بین آموزش ابتدایی در سطح پایین و دانشگاه در سطح بالا ساختار یافته است (افضل نیا، اشکوه و کلوی، ۱۳۸۹). مخاطبین آموزش‌های رسمی (آموزش و پرورش و آموزش عالی) را گروه سنی کودکان، نوجوانان و جوانان در برمی‌گیرد (گروه مشاورین یونسکو، ۱۳۸۲)، و آموزش غیر رسمی به عنوان هر فعالیت آموزشی خارج از نظام آموزش رسمی یاده شده است و بنابر تعریف، عبارت است از: نظام غیررسمی هر فعالیت آموزشی سیستماتیک و سازمان یافته که در خارج از چارچوب نظام رسمی، جهت یادگیری موضوعات مختلف در رده‌های سنی گوناگون از کودکان تا بزرگسالان است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۱). برخی محققان همچون مارسیک و ولپ معتقدند یادگیری غیررسمی بیشتر بدون ساختار، تجربی و غیر سازمانی است، که گاهی اوقات غیر عمدی نیز است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۱). در تعریف «آموزش‌های غیر رسمی» گفته شده: «تربیتی که فرد به طور مستمر در طول زندگی از محیط خانوادگی و اجتماعی و از طریق کانال‌هایی چون مذهب، تبلیغات، رسانه‌ها، مطالعه و... متناسب با علائق و تجارب شخصی خود کسب می‌کند» (باقری، ۱۳۸۷). همچنین به طور کلی تربیت را از هشت حیث می‌توان دسته‌بندی کرد: منبع، ابعاد وجودی شخصیت تربیتی، شرایط تربیتی، گستره شمول افراد جامعه، نقش انتخاب متریان، نوع ساماندهی و اعتبار قانونی، آگاهی از تربیت و هدف تأثیرگذاری (اعرافی، ۱۳۹۵، صص ۱۴۲-۱۴۷). هر کدام از این هشت نوع به زیرمجموعه‌های دیگری قابل تقسیم است. بر اساس منبع به دو دسته تربیت دینی و تربیت سکولار تقسیم می‌شود؛ بر اساس ابعاد وجودی شخصیت تربیتی؛ فروع مختلفی تقسیم می‌شود؛ همچون تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، تربیت عبادی، تربیت سیاسی، تربیت اقتصادی و...؛ بر اساس شرایط تربیتی؛ به دو دسته اقدامات تمهیدی و اقدامات تربیتی تقسیم می‌شود که اقدام تربیتی نیز به تربیت دوره‌های: نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهنسالی تقسیم می‌شود؛ بر اساس گستره شمول افراد جامعه به تربیت عمومی و تخصصی تقسیم می‌شود؛ بر اساس نقش انتخاب متریان به تربیت اجباری و اختیاری تقسیم می‌شود؛ بر اساس نوع ساماندهی و اعتبار قانونی به رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شود؛ بر اساس آگاهی از تربیت به آگاهانه و غیر آگاهانه تقسیم می‌شود؛ بر اساس هدف تأثیرگذاری به تربیت ایجاد، تربیت اصلاحی و تربیت بازدارنده تقسیم می‌شود. از حیث منبع، تلاقی علوم تربیتی با دانش قرآنی در بخش تربیت دینی است، از منظر ابعاد وجودی شخصیت تربیتی، تربیت عقلانی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی محل تلاقی با کتاب الهی است و از نگاه شرایط تربیتی، همه شقوق آن با قرآن کریم قابل تلاقی است؛ از حیث گستره شمول افراد جامعه نیز وجه عمومی بیشتر نسبت به وجه تخصصی در قرآن کریم مورد التفات است؛ از منظر نقش انتخاب متریان نیز، هر دو وجه اختیاری و اجباری مورد توجه قرآن کریم است؛ از حیث انواع ساماندهی و اعتبار قانونی نیز آموزش غیر رسمی مورد توجه قرآن کریم است، از منظر آگاهی تربیتی نیز هر دو نوع آگاهانه و غیر آگاهانه مورد توجه قرآن بوده و از منظر هدف تأثیرگذاری نیز سه وجه ایجاد، اصلاحی و بازدارنده مورد توجه این کتاب مقدس است.



نمودار شماره ۴: وجوه مختلف علوم تربیتی

نمودار فوق نشانگر این مهم است که علوم تربیتی از وجوه و حیثیت‌های مختلفی با قرآن کریم در ارتباط است و از طرفی پرداختن به تمامی این وجوه در یک مقاله پژوهشی مقدور نیست؛ لذا نویسنده به عنوان نمونه در شناسایی و رتببندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی؛ شاخه (تربیت از حیث نوع ساماندهی و اعتبار قانونی) را مورد بررسی قرار داده است.

با توجه به گستردگی شاخه‌های علوم تربیتی و نقاط زیاد تلاقی آن با معارف قرآنی به عنوان نمونه در شناسایی و رتببندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی؛ شاخه تربیت از حیث نوع ساماندهی و اعتبار قانونی در دسته غیر رسمی با معارف قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. مروری بر تحقیقات پیشین

در پژوهش حاضر برای دستیابی به درک صحیحی از مسأله و ضرورت انجام تحقیق به مطالعه پیشینه مطالعات میان‌رشته‌ای صورت گرفته در دو رشته علوم قرآنی و علوم تربیتی پرداخته شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره شده است.

کاردان (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان علوم تربیتی: مطالعات میان‌رشته‌ای (قسمت دوم) رابطه علوم تربیتی با فلسفه به بررسی جایگاه فلسفه و فلسفه آموزش و پرورش پرداخته است و دو دیدگاه مهم در تعیین اهداف تعلیم و تربیت را فردگرایی و جامعه‌گرایی دانسته است. نتیجه‌گیری که از این مقاله می‌توان داشت به این صورت است که غایات تعلیم و تربیت از منابعی به دست می‌آید که از علم به معنی محدود کلمه فراترند و از مواضع دقیق‌تری به دست می‌آیند که ما آن را مواضع فلسفی می‌نامیم و این موضوع در حد میان علم و هنر قرار دارد. خلاصه پژوهش این است که فلسفه از علم بی‌نیاز نیست اما در عالم تعلیم و تربیت دست یافتن به موضوع فلسفی علاوه بر علم به معنای تجربی آن؛ یعنی کشف عینی پدیده‌های حیات مادی و معنوی انسان یا آشنایی با علوم انسانی و اجتماعی، مستلزم آرمان یا آرمان‌هایی است که از فرهنگ به معنی اعم آن از یکسو و از فرهنگ جامعه خاص از سوی دیگر، و سرانجام حیات عاطفی و متعالی آدمی سرچشمه می‌گیرد. این آرمان‌ها می‌توانند و باید راه نیل به کمال برتر از زندگانی فردی و اجتماعی را هموار سازند و آدمی را به سوی کمال خود سوق دهند. چنین آرمانی از جهت معرفت از علوم انسانی آغاز شده به فلسفه یا حکمت و از آنجا به نوعی عرفان می‌پیوندد.

ابراهیمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه امکان رویکرد چندپارادیمی و فراپارادیمی در مطالعات میان رشته‌ای در نتیجه‌گیری مقاله بیان کرده است که امکان خطا در فهم و روش استفاده از دانش‌های گوناگون ضرورت رهیافت مطالعات میان‌رشته‌ای را آشکار می‌کند، زیرا تعدد روش در مطالعات تحقیقی نشان می‌دهد که انسان به طور طبیعی برای شناخت پدیده‌های گوناگون نیازمند گونه‌های مختلف علم به ویژه علوم انسانی است. تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسأله پیچیده و یا معضل اجتماعی چندوجهی، ما

را به سوی رهیافت میان‌رشته‌ای سوق می‌دهد. مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی به قصد دیدن پدیده‌ها و مکمل‌سازی، تداخل، ترکیب و استفاده از تخصص‌های مختلف در حیطه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و بر خلاف نگرش حصرگرایانه، نه تنها دیدگاه‌های دیگر را مردود و بی‌ثمر نمی‌داند، بلکه خود را محتاج مواجهه جدی و روش‌مند با آنها می‌داند. رهیافت میان‌رشته‌ای متضمن نوعی کثرت‌گرایی و رویکرد دموکراتیک به علم است که با استفاده از رهاوردهای گذشتگان، پژوهشگران را با رویکردهای جدید در عرصه تحقیق و پژوهش آشنا می‌سازد.

خنجرخانی، بختیارنصرآبادی و ابراهیمی دینایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان درآمدی بر ضرورت، جایگاه و انواع مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی «در سه بخش به بررسی اهمیت، ضرورت و تاریخچه‌ی رویکرد میان‌رشته‌ای و اشاره‌ای به سیاست‌های آموزشی، متخصصان و کاربران پرداخته و در ادامه، چالش‌های مربوط به آن را واکاوی کرده و در نهایت پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند که به‌طور خلاصه عبارتند از: کاربرد همزمان رویکرد رشته‌ای و میان رشته‌ای در حوزه‌ی تحقیقات و یا به عبارت دیگر، قرارگرفتن ساختار منطقی در کنار سازماندهی مهارت‌های متنوع بدون غفلت از دیگری؛ توجیه فلسفه‌ی وجودی میان‌رشته‌ای در میان مسئولان و مجریان و درونی کردن ارزش‌های این مقوله برای افراد؛ سرمایه‌گذاری در این حوزه به سبب نیاز به آموزش مناسب رشته‌ها، اجرای تحقیقات جامع و کاربردی، تسهیل روند رشد هر رشته با کمک رشته‌های دیگر.

فرجی دانا (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان مطالعات میان‌رشته‌ای: تعامل میان علم اقتصاد و علوم طبیعی و اجتماعی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تعامل میان اقتصاد، علوم اجتماعی و طبیعی باعث شده است که علم اقتصاد در قلمرو تقریباً همه علوم، موضوعات جدیدی را بی‌جویی کند که نتیجه آن رشته‌های تعاملی و میان‌رشته‌ای است، لیکن چون مجموعه ابزارهای پژوهشی موجود برای زمینه‌های جدید نارساست، تغییر روش‌های بی‌جویی لازم است، از این رو چنین به نظر می‌رسد که مجموعه تعامل‌های معرفت‌شناختی نهایتاً به جابجایی پژوهش‌ها از رویکرد روش‌شناختی دکارت به رویکرد روش‌شناختی پاسکال خواهد انجامید.

نتایج بررسی پیشینه مبین آنست که تحقیقی که در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای، در دو رشته مورد نظر (علوم تربیتی و علوم قرآنی) باشد یافت نشده و پژوهش‌های موجود بیشتر با محوریت کلی مطالعات میان‌رشته‌ای بوده و یا موردی چون آسیب‌شناسی، ضرورت‌ها و راهکارها را در هر یک مورد مطالعه قرار داده‌اند، و به طور خاص مقوله مطالعات میان رشته‌ای را در هیچ یک از این علوم با هم و یا به طور مجزا نیز مورد مطالعه قرار نداده‌اند از طرفی در تعداد کمی از تحقیقات به بررسی یک رشته خاص پرداخته شده که در این بین رشته علوم تربیتی و علوم قرآنی بسیار کمتر کار شده‌اند از طرفی در هیچ یک از تحقیقات صورت گرفته به شناسایی و تفکیک حیطه‌های زیر مجموعه‌های رشته‌ای پرداخته و زمینه‌های مستعد پژوهش در حیطه‌های مرتبط با یک رشته را معرفی نکرده‌اند. به عبارتی نتیجه حاصل از مطالعه پیشینه چنین است، تحقیقات صورت گرفته در خصوص مطالعات میان‌رشته‌ای به طور کلی نسبتاً خوب و اما در خصوص این دست مطالعات در علوم انسانی ضعیف و در علوم قرآنی و تربیتی ضعیف‌تر است.

۵. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود؛ چون هدف آن، کاربرد در یک حوزه خاص؛ یعنی شناسایی و رتبه‌بندی حیطه‌های پژوهش در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم تربیتی است و از بعد روش نیز یک تحقیق کیفی از نوع مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای است.

جهت انجام پژوهش حاضر محقق با استفاده از هفت معیار که توسط فیضی و نقی زاده ۱۳۹۵ شناسایی شده بود در دو رشته علوم قرآنی و علوم تربیتی پرداخت به این صورت که با استفاده از کلید واژه‌ها به جستجو در پیشینه‌ها، منابع و اسناد موجود در هریک از معیارهای موجود پرداخته و با توجه به تعداد به دست آمده و وزن‌های هر معیار تناسب بسته شده و بدین ترتیب وزن هریک از معیارها در دورشته مورد نظر مشخص شد و به این شکل الویت معیارها بر طبق وزنی که به خود اختصاص دادند در هریک از دو علم به دست آمد که مجموع وزن‌های هفت معیار برابر با صد شده است. در ادامه نیاز بود تا محقق بداند ظریفت‌ها و یا خلاءهای مطالعاتی و پژوهشی موجود و یا به عبارتی وضعیت کنونی هریک از این معیارها به چه صورت است که در ادامه به بررسی این پیشینه‌ها پرداخته و در نهایت گزارشی از وضعیت موجود در خصوص هریک از معیارها ارائه کرده است. در ادامه به تفصیل به توضیح روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر پرداخته شده است. تحقیق کاربردی پژوهشی است که به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌شود؛ هدف تحقیق کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است (حافظ نیا، ۱۳۸۹).

پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. پژوهش اسنادی بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آن که پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاد کند و در اصطلاح آن که بخواهیم در یک زمینه خاص مأخذیابی کنیم؛ و منظور از مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعاتی است که موضوعات مورد مطالعه در اختیار و دسترس محقق قرار نداشته و غالباً مربوط به گذشته‌ای دور یا نزدیک می‌شود و محقق از اسناد و مدارک زمان‌های پیشین که در کتابخانه‌ها موجود هستند، استفاده می‌کند (ساروخانی، ۱۳۸۸).

جامعه آماری این پژوهش کلیه سایت‌های مرجع جستجوی مقالات (Noormags، Irandoc، Sika، Ensani، SID، Ketab، ISC) الویت‌های پژوهشی سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشور طی سال‌های اخیر، اخبار حوزه پژوهش و پژوهش‌کننده‌ها، اطلاعات و آمار موجود و مدارک مرتبط بودند.

در روش اسنادی، عمدتاً نمونه‌گیری به شیوه عمدی و نظری انجام می‌شود؛ یعنی با توجه به محورها و اهداف پژوهش و با عنایت به رویکرد نظری خاص، پژوهشگر دست به انتخاب از بین منابع می‌زند (فلیک، ۱۳۹۲، ص ۲۷۹). محقق با استفاده از این روش و در نهایت با استفاده از تعیین واژگان کلیدی، فیش‌برداری و مرور سیستماتیک منابع، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. ملاک بررسی در منابع معیارهای اندازه‌گیری و

وزن‌های شناسایی شده توسط فیضی و نقی‌زاده ۱۳۹۵ که با استفاده از تکنیک گروه اسمی (NGT) به دست آمده است، که شامل هفت معیار بوده که از سوی کارشناسان جهت وزندهی به شاخص‌ها در دو مرحله؛ یکبار در دانش معارف قرآنی و دوم برای علوم تربیتی مورد بررسی قرار گرفته که در جدول شماره ۱ و ۲ معیارها و وزن‌های متناسب با هریک آورده شده که در ادامه به تفصیل به توضیح هریک پرداخته شده است.

۱.۵. معیارهای شناسایی زمینه پژوهشی

میزان خلأ پرداختن به موضوع: در این معیار پژوهش‌های انجام شده در هر شاخه مورد نظر است و هرچه پژوهش‌های کمتری کار شده باشد، آن شاخه امتیاز بیشتری به دست خواهد آورد.

ظرفیت قرآنی پرداختن به موضوع: در این معیار میزان پرداختن به شاخه مورد نظر در قرآن، مورد توجه است.

بازار پژوهش موضوع: در این معیار سه W فاکتور مد نظر است: الف) تعداد مراکزی که امکان انجام پژوهش برای آنها بیشتر است؛ ب) اعتبار تخصیصی؛ میزان هزینه‌هایی که سازمان‌ها برای چنین تحقیقاتی گذاشته‌اند؛ ج) برخورداری از بازار پژوهش هر مرکز، نیازهای پژوهشی هر مرکز در شاخه مورد نظر.

تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط: در این قسمت تنوع رشته‌ها و دانش‌های موجود در هر شاخه مد نظر است.

میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه: در این معیار، میزان تأثیرگذاری آن حوزه و شاخه بر جامعه و مشکلات آن مورد توجه است.

در برگیری موضوع: در این معیار، میزان مخاطبان و افرادی که با آن مواجه هستند مورد نظر است.

توان تخصصی موجود در کشور: نیروهای متخصص در هر شاخه به چه میزانی است.

جدول شماره ۱۵: وزن‌دهی به شاخص‌ها در علوم تربیتی

وزن	معیار	ردیف
۲۷	میزان خلأ پرداختن به موضوع	۱
۱۸	ظرفیت قرآنی پرداختن به موضوع	۲
۱۵	بازار پژوهش موضوع	۳
۱۳	تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط	۴
۱۳	میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه	۵
۷	در برگیری موضوع	۶
۷	توان تخصصی موجود در کشور و سازمان	۷
۱۰۰	جمع کل	

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود؛ میزان خلأ پرداختن به موضوع ۲۷ امتیاز، ظرفیت قرآنی پرداختن به موضوع ۱۸ امتیاز، بازار پژوهش موضوع ۱۵ امتیاز، هر کدام از معیارهای تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط و میزان تأثیرگذاری آن حوزه بر جامعه ۱۳ امتیاز، در برگیری موضوع و توان تخصصی موجود در

کشور و سازمان تا امتیاز ۷ را می‌تواند بگیرد. این مسأله در خصوص رشته علوم و معارف قرآنی نیز اعمال شده و نتایج آن در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره ۲: وزن‌دهی به شاخص‌ها در معارف قرآنی

ردیف	معیار	وزن
۱	میزان خلأ پرداختن به موضوع	۳۰
۲	بازار پژوهش موضوع	۱۸
۳	تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط	۱۶
۴	میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه	۱۶
۵	در برگیری موضوع	۱۰
۶	توان تخصصی موجود در کشور و سازمان	۱۰

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که میزان خلأ پرداختن به موضوع در معارف قرآنی ۳۰ امتیاز، بازار پژوهش موضوع ۱۸ امتیاز، هر کدام از معیارهای تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط و میزان تأثیرگذاری آن حوزه بر جامعه ۱۶ امتیاز، در برگیری موضوع و توان تخصصی موجود در کشور و سازمان تا امتیاز ۱۰ را می‌تواند بگیرد. این معیارها همانند جدول شماره (۱) در دو شاخه علوم قرآنی و معارف قرآنی به تفکیک مورد سنجش قرار گرفته و تعیین خواهد شد که هر کدام از شاخه‌ها در این معیارها چه امتیازی خواهند گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش: وزن‌دهی به معیارها در علوم تربیتی و معارف قرآنی و با استفاده از معیارهای فیضی و نقی‌زاده ۱۳۹۵ به دست آمده است که در ادامه آورده شده است.

۱.۶. وزن‌دهی معیارها در رشته علوم تربیتی (آموزش رسمی، غیررسمی و سازمانی)

شاخص‌ها در هر کدام از شاخه‌های علوم تربیتی با توجه به تقسیم‌ها در نمودار ۱، بررسی شده و نتایج آن در هر کدام از دو دانش به شرح زیر است:

جدول شماره ۳: امتیازدهی به شاخه‌های علوم تربیتی

ردیف	عنوان	وزن	آموزش رسمی	آموزش غیررسمی	آموزش سازمانی
۱	میزان خلأ پرداختن به موضوع	۲۷	۵	۲۰	۱۰
۲	ظرفیت قرآنی پرداختن به موضوع	۱۸	۹	۱۸	۵
۳	بازار پژوهش موضوع	۱۵	۹٫۶	۱۱٫۳	۹
۴	تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط	۱۳	۹	۱۱	۵
۵	میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه	۱۳	۶	۱۳	۵
۶	در برگیری موضوع	۷	۱٫۴	۷	۲٫۳
۷	توان تخصصی موجود در کشور و سازمان	۷	۶	۳	۴
جمع		۱۰۰	۴۶	۸۳٫۳	۴۰٫۳

بر اساس بررسی به عمل آمده در تحقیقات انجام شده و رصد موضوعی آنها در سایت‌های مرجع، میزان پرداختن به موضوعات علوم تربیتی با نگاه به بحث، آموزش رسمی رتبه اول و آموزش غیر رسمی رتبه دوم را دارد. همچنین با توجه به الزامات مقرر شده در قوانین ویژه آموزش‌های سازمانی در حوزه‌های تخصصی و ضمن خدمت در مقایسه با آموزش غیر رسمی، آموزش سازمانی از رتبه پایین‌تری برخوردار است؛ روش تحصیل این آمار در هریک از معیارها در ادامه به تفصیل آورده شده است.

۱,۱,۶. ملاک ارزیابی خلأ پرداختن به موضوع علوم تربیتی

برای تحصیل این آمار سایت‌های مرجع نورمگز، ایران داک، سیکا، ISC، خانه کتاب، SID، پرتال جامع علوم انسانی، مورد مطالعه قرار گرفت و از مجموع ۵۰۲۶۹۶ پژوهشی که با کلید واژگانی؛ چون آموزش، یادگیری، مدرسه، دبیرستان، دانشگاه، آموزش مجازی، آموزش حضوری، برنامه درسی، روش بازخوردگیری، محتوای یادگیری، محتوای درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، یادگیری غیررسمی، یادگیری پنهان، برنامه درسی، برنامه درسی فوق برنامه، یادگیری غیررسمی، یادگیری نیمه رسمی، تربیت دینی، تربیت رفتاری، یادگیری عمومی، توانمندسازی منابع انسانی، آموزش منابع انسانی، آموزش ضمن خدمت مورد بررسی واقع شدند که با توجه به کلید واژه مرتبط با هر یک از انواع آموزش‌های مورد نظر محقق نسبت به تعداد مقالات یافت شده در هر موضوع دست به یک شمارش تقریبی زده و نسبت به کل مقالاتی که مشاهده شده نسبت‌های فوق احصاء شد؛ بدین ترتیب با توجه به جدول فوق، ۶۰ درصد پژوهش‌ها در حوزه آموزش رسمی، ۲۵ درصد آنها در حوزه آموزش سازمانی و ۱۵ درصد آنها در حوزه آموزش غیر رسمی است. در این میان میزان خلأ آموزش غیر رسمی بیش از دو نوع دیگر آموزش بوده و به عبارتی خلأ در این بخش نسبت به آموزش سازمانی نزدیک به دو برابر و نسبت به آموزش رسمی چهار برابر است و آموزش سازمانی نیز در مرتبه دوم قرار داشته و آموزش رسمی در این میان از موقعیت بهتری برخوردار است و نگاه جامعه علمی به آن بیش از دیگر موارد بوده است.

۲,۱,۶. ظرفیت قرآنی پرداختن به علوم تربیتی

مبحث اصلی علوم تربیتی، انسان است؛ زیرا همانگونه که بسیاری از صاحب‌نظران این عرصه گفته‌اند، هدف اصلی تربیت، رشد و شکوفایی تمام توانایی‌ها و استعداد‌های انسان است؛ به این ترتیب علوم تربیتی؛ یعنی علوم رشد و شکوفایی تمامی توانایی‌ها و استعداد‌های انسانی (بلاغت، ۱۳۹۰). مهمترین رسالت قرآن همانا مهندسی زمینه‌های مستعد دل‌های حق‌طلب بشر است چنان‌که از آن به عنوان عصاره دلائل عقول یاد شده است که عصاره پیام همه انبیاء و رسالت همه کتاب‌های آسمانی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵). توجه به نیازهای انسان منبعی مهم و بلکه تنها منبع برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی است؛ منابعی که در شناخت این نیازها مؤثرند سه دسته‌اند: علم، فلسفه و دین؛ در این بین وظیفه دین در تعیین اهداف تعلیم و تربیت به نقش آن در زندگی انسان بازمی‌گردد. مسلماً انسان و جامعه‌ای که با گرایش به یک آیین و مذهب خاص، مسیر زندگی خود را تعیین می‌کند، نمی‌تواند در انتخاب اهداف غایی تربیتی، خود را از فرمان‌ها و باید و نبایدهای دینی بی‌نیاز

بینند. فرهنگ دینی حاکم بر انسان، در همه شئون زندگی او ریشه می‌دواند (اعرافی، ۱۳۸۷).

محقق با این فرض که غایت هر نوع آموزشی جدای از دسته بندی‌های موجود تحت عنوان رسمی، غیر رسمی و سازمانی ایجاد یک یادگیری در مخاطب است این طور نتیجه می‌گیرد که هر جا که یادگیری‌ای اتفاق می‌افتد یقیناً دانشی به خزانه معلومات فرد اضافه می‌شود که این دانش در نهایت منجر به فراگیری علم در وی خواهد شد با این فرض می‌توان گفت که آموزش در هر نوعی می‌تواند مترادف با علم‌آموزی باشد. حال با توجه به این استدلال باید گفت که علم‌آموزی در دین اسلام و به طور خاص در قرآن بسیار مورد توجه بوده و بدان تأکید شده تا جایی که خداوند در آیه ۹ سوره زمر چنین می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می‌شوند.» و نیز در آیه ۱۱۴ سوره طه می‌فرماید: «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا: بگو: پروردگارا! علم مرا افزون کن.» همچنین فحوای آیات ۲۵ فاطر، ۲۶۹ بقره و ۱۲۲ انعام اهمیت این مقوله را متذکر شده است، اما در این بین باتوجه به تعریف آموزش غیررسمی که مختص به یک گروه سنی خاص نبوده و یا الزاماً چارچوب و ضوابط خاص و یا مکانی مشخص را نمی‌طلبد می‌توان گفت هرآنچه که نیاز زندگی در این جهان هستی است اعم از مهارت‌ها، دانش و علوم در هر حیطه و یا رشته‌ای در هر دوره‌ای از زندگی برای تمام آحاد جامعه و در هر سنی می‌تواند در تقسیم‌بندی آموزش‌های غیررسمی قرار بگیرد؛ چرا که آموزش رسمی با توجه به عملکرد آن در جامعه ما (ایران)؛ یعنی نظام آموزش و پرورش یا نظام آموزش عالی قادر به آموزشی این چنین با در برگرفتن همه مضادیق و برای همه افراد جامعه نخواهد بود؛ چرا که نه دسترسی به همه مخاطبان ممکن، و نه بودجه این دو نهاد اجازه این کار را خواهد داد و نه در قالب آموزش رسمی با اعمال ضوابط و چارچوب خاصی این آموزش‌ها محقق خواهد شد؛ چرا که خیلی از مفاهیم باید به طور غیر مستقیم و در طول زمان و با هماهنگی همه سازمان‌ها در جامعه امکان‌پذیر خواهد بود و این یعنی که بخش عظیمی از رسالت رشته علوم تربیتی در راستای آموزش در جامعه بر عهده آموزش غیر رسمی است. از سویی موضوعات مبتلابه در آموزش غیر رسمی نسبت به رسمی و بعد از آن نسبت به سازمانی بسیار بیشتر است؛ از این رو وزن این سه دسته به این ترتیب است: غیر رسمی، رسمی و سازمانی.

۳،۱،۶. بازار پژوهش علوم تربیتی

برای شناسایی بازار پژوهش در حوزه انواع آموزش‌های رسمی، غیر رسمی و سازمانی بدین صورت عمل شده که ابتدا ۱۱ سازمان از بین همه سازمان‌هایی که به ارائه اولویت پژوهشی پرداخته بودند انتخاب شدند، ملاک این انتخاب ارتباط بیشتر با حوزه آموزش به معنای کلی بوده است. مجموع عناوین پیشنهادی در این سازمان‌ها طی یکسال اخیر به تعداد ۴۹۰ اولویت پژوهشی که به تفکیک؛ شامل وزارت کشور ۱۴ عنوان، وزارت ورزش و جوانان ۶۶ عنوان، مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور ۲۶ عنوان، سازمان زندان‌ها ۶۰ عنوان، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران ۱۴ عنوان، دانشگاه آزاد اسلامی (سازمان سما) ۲۰ عنوان، اداره کل کتابخانه‌های عمومی ۱۰ عنوان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (پژوهشگاه مطالعات آموزش

و پرورش) ۵۰ عنوان، وزارت آموزش و پرورش ۷۶ عنوان، سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۶ عنوان، کتابخانه ملی ایران ۱۸ عنوان بوده است؛ در مرحله بعد، تک تک عناوین، مورد بررسی قرار گرفته و طبق تعریف انواع آموزش‌های رسمی، غیر رسمی و سازمانی، عناوین مرتبط با هریک بررسی شده که شامل ۲۷ مورد به عنوان آموزش رسمی، ۲۹ مورد آموزش غیر رسمی و ۱۷ مورد آموزش سازمانی بوده است؛ وزن بیان شده در جدول ۳ برای هر یک از سه نوع آموزش با در نظر گرفتن سه فاکتور: الف) تعداد مراکز؛ ب) اعتبار تخصیصی؛ ج) برخورداری از بازار پژوهش هر مرکز (اولویت‌های پژوهشی) احصاء شده است؛ بنابراین با توجه به اینکه آموزش غیر رسمی توسط تمامی مراکز آموزشی که خارج از ساختار مراکز آموزش رسمی قرار دارند انجام می‌شود از جمله حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی، موسسات آموزشی، تشکلهای و اتحادیه‌های مردمی و نیز ۱۹۳ پژوهشکده و یا پژوهشگاه که تحت عناوین مختلف در کشور در حال فعالیت هستند که بیشتر کارهای تحقیقاتی آنها در حوزه آموزش‌های غیر رسمی است. می‌توان نتیجه گرفت که تعداد مراکز در این حوزه بیشتر است و از طرفی با توجه به اولویت‌های ارائه شده از سوی سازمان‌های مختلف نیز این موضوع تأیید می‌شود؛ همچنین از عناوین تحقیقات صورت گرفته در دوره‌های قبل که بیشتر با محوریت موضوعات غیر رسمی بوده مشخص می‌شود که اعتبارات تخصیص یافته بیشتر مصروف این حوزه شده‌اند؛ لذا رتبه اول از حیث بازار پژوهش را به خود اختصاص داده است؛ همچنین در حوزه آموزش رسمی، سه وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ملاک قرار گرفته است؛ هرچند به لحاظ تعداد، این سه وزارتخانه قابل توجه به نظر نمی‌رسد، اما نه تنها همه‌ی حیطه‌ی آموزش رسمی که طیف قابل توجهی از جمعیت را در بر می‌گیرد بر عهده دارند بلکه مراکز و پژوهشکده‌های زیادی به آنها وابسته بوده و از طرف دیگر پیشرفت علوم و فناوری هر روزه موضوعات تازه‌ای را در این حوزه رقم می‌زند که این موجب شده تا این آموزش‌ها مهم شمرده شوند و نیز از طرف دیگر؛ یعنی برخورداری از بازار پژوهش که از اولویت‌های پژوهشی هر ساله سازمان‌ها قابل استنباط است، که در اولویت‌های این دو وزارتخانه؛ یعنی وزارت علوم و آموزش و پرورش همه ساله اولویت‌های پژوهشی زیادی حول موضوعات مرتبط به آموزش رسمی اختصاص یافته و به لحاظ اعتبارات تخصیصی، اعتبار قابل توجهی را در این زمینه از سوی دولت دریافت می‌کنند؛ بنابراین با این تفاسیر این نتیجه حاصل می‌شود که آموزش رسمی دومین بازار پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد.

در خصوص آموزش سازمانی با توجه به اینکه مقوله آموزش در آنها بیشتر محدود به دایره درون سازمان و منابع انسانی در آنها می‌شود و نظر به اینکه تعداد سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و مراکز تابعه و نهادهای تحت حمایت دولت خیلی زیاد بوده و از طرفی همه اعتبارات تخصیصی جهت پژوهش در این سازمان‌ها الزاماً در راستای آموزش‌های ضمن خدمت و سازمانی نبوده و بعضاً آموزش‌هایی غیر رسمی هستند که در سازمان اتفاق می‌افتد، می‌توان اینطور نتیجه گرفت که بازار پژوهش در این عرصه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

۱,۶, ۴: تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط با علوم تربیتی

بر اساس تقسیم‌بندی موجود در نمودار شماره ۳ حیطه‌های مربوط به هریک از انواع آموزش آورده شده

که در این میان به نظر می‌رسد آموزش غیر رسمی گستره وسیعی از آموزش در سطح جامعه را در بر می‌گیرد؛ چرا که هم مجامع رسمی و هم غیر رسمی و هم نهاد مهمی چون خانواده که مصادیق زیادی را به آن می‌توان نسبت داد را در خود دارد و همچنین رسانه که بخش عظیمی از آموزش را عهده‌دار است. از طرف دیگر آموزش‌های غیر رسمی به استناد تنوع موضوعات کار شده در این حوزه، از بیشترین تنوع پژوهشی برخوردار است و در مرتبه دوم از حیث داشتن تنوع حوزه‌های دانشی می‌توان آموزش رسمی را نام برد؛ چرا که به تعداد رشته‌های دانشگاهی و مدارس در هریک، ده‌ها عنوان درس وجود دارد که همه اینها تنها در حوزه محتوا است که البته در سایر موارد؛ مثل استانداردهای آموزشی از جمله فضا، برنامه درسی، فناوری‌ها، منابع، معلمان و اساتید و ساختار بسیار مصادیق دارد که حتی در مواردی رشته‌های دانشگاهی به خود اختصاص داده‌اند از جمله سنجش و ارزش‌یابی، برنامه‌ریزی درسی و آموزش عالی که همه اینها نشان از تنوع در این حوزه است؛ و آموزش سازمانی در سومین مرتبه قرار می‌گیرد؛ چرا که در سازمان‌ها با توجه به تغییرات تکنولوژی و روزآمد شدن فناوری‌ها و آمد و رفت نیروی انسانی جدید و قدیم به سازمان‌ها همواره آموزش سازمانی مطرح است؛ بنابراین می‌توان گفت که آموزش سازمانی با توجه به جوامع آماری که در معرض این آموزش‌ها قرار می‌گیرد عموماً همه جامعه نیستند از کمترین تنوع دانشی برخوردارند.

۱, ۶, ۵. میزان تأثیر گذاری مشکلات بر جامعه

بر اساس بررسی در نتایج تحقیقات صورت گرفته در حوزه آموزش، ابتدا این نتیجه حاصل شد که پژوهش‌های مرتبط با آموزش غیر رسمی از فراوانی بیشتری برخوردار بوده و تأثیر انواع این آموزش‌ها بر بسیاری از متغیرهای رفتاری در جوامع آماری مختلف، مثبت ارزیابی شده و یا در صورت عدم آموزش منجر به آثار زیان‌باری شده که این موضوع معلوم می‌دارد که میزان تأثیرگذاری آموزش غیر رسمی نسبت به آموزش رسمی و سازمانی در جامعه بیشتر است؛ چرا که آموزش‌های غیر رسمی از اهمیت بیشتری نسبت به آن دو نوع از آموزش برخوردار است به این جهت که در تمام طول زندگی نیاز به آن احساس می‌شود و از طرف دیگر همه جامعه را در بر می‌گیرد و دیگر اینکه هر سال می‌تواند متفاوت از سال دیگر بوده و تحت تأثیر تغییرات زیادی است که همواره در حال اتفاق افتادن است، یقیناً این تغییر سریع فناوری در ابعاد مختلف زندگی، انسان امروزی را با حجم انبوهی از اطلاعات مورد نیاز برای ادامه حیات و تازع بقاء مواجه خواهد ساخت که افزایش اطلاعات و هم‌راستایی با این تغییرات گسترده و سریع، موجب ناپایدار شدن اطلاعات شده است؛ در این شرایط دیگر اتکا به انباشته‌های دانش و اطلاعات دوره مشخصی از زندگی به عنوان دوره آموزش رسمی برای گذران مابقی عمر کافی نیست و در صورت نبود یادگیری پیوسته و تطبیق فعال آموخته‌ها با شرایط پویای زندگی، موجب غیر روزآمد شدن سریع داده‌های موجود خواهد شد (افضل‌نیا، ۱۳۸۹) با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت، نبود و یا نقص در این آموزش‌ها می‌تواند مشکلات زیادی را در جامعه به بار آورد؛ بنابراین مشکلات ایجاد شده در حوزه آموزش‌های غیر رسمی تأثیر بیشتری بر جامعه خواهد داشت.

۶،۱،۶. در برگیری موضوع

امتیاز در برگیری موضوع با توجه به میزان جمعیت طبق آمار رسمی اعلام شده، لحاظ شد؛ میزان جمعیت آموزش رسمی که شامل دانش‌آموزان و دانشجویان مشغول به تحصیل در کشور است، ۱۶ میلیون نفر طبق آمار رسمی اعلام شده است که این تعداد جامعه هدف آموزش رسمی کشور را تشکیل می‌دهند و تقریباً یک پنجم از جمعیت کشور است. جمعیت شاغلان در کشور نیز ۲۰ میلیون نفر اعلام شده است که جامعه هدف آموزش سازمانی را شامل می‌شود و تقریباً یک چهارم جمعیت کشور است که البته با توجه به تحصیل شاغلان دولتی در دانشگاه‌ها بخشی از این طیف با هم همپوشانی دارد؛ آموزش غیر رسمی نیز جامعه هدفی با گستره جمعیت کل کشور که ۷۶ میلیون نفر اعلام شده است را شامل می‌شود؛ در نتیجه در برگیری آموزش غیر رسمی در اولویت آموزش‌ها قرار دارد و با این شاخص، آموزش سازمانی و رسمی نیز در رتبه‌های دیگر هستند.

۶،۲،۶. توان تخصصی موجود در کشور

با توجه به تحقیقات و مطالعات انجام شده در خصوص نویسندگان تحقیقات پیشین که مرتبط با حوزه علوم تربیتی است، مشخص شد که فارغ‌التحصیلان و متخصصان این حوزه بیشتر پژوهش‌هایی با رویکرد آموزش رسمی انجام داده‌اند و اقبال کمتری به آموزش غیر رسمی و سازمانی داشته‌اند؛ اندیشمندان و صاحب‌نظران بیشتر توان علمی خود را معطوف به حوزه آموزش رسمی کرده‌اند و لذا ظرفیت تخصصی موجود در کشور در این حوزه، شرایط بهتری نسبت به دیگر انواع آموزش دارد و در مرتبه بعدی این متخصصان بیشتر به مطالعات مسائل مرتبط با متغیرهای مختلف در حوزه علوم تربیتی و آموزش آنها به کارکنان، معلمان و منابع انسانی همین حوزه پرداخته‌اند که این یعنی مطالعات سازمانی در مرتبه دوم قرار دارد و در مرتبه سوم، آموزش‌های غیر رسمی قرار می‌گیرد. با توجه به این مسأله، تخصص نیروی انسانی موجود در کشور بیشتر در حوزه آموزش رسمی صرف شده است و چندان در مقوله آموزش غیر رسمی و سازمانی موفق نبوده‌ایم.

۶،۲،۶. وزن‌دهی معیارها در دانش قرآنی

با توجه به تعارف بیان شده، بررسی‌ها در رشته علوم و معارف قرآنی به شرح ذیل صورت گرفت که بطور خلاصه در جدول شماره (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۴: تبیین و انتخاب زمینه معارف قرآنی

ردیف	عنوان	وزن	علوم قرآنی	معارف قرآنی
۱	میزان خلأ پرداختن به موضوع	۳۰	۱۰	۳۰
۲	بازار پژوهش موضوع	۱۸	۲	۱۸
۳	تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط	۱۶	۳	۱۶
۴	میزان تأثیرگذاری مشکلات آن حوزه بر جامعه	۱۶	۱	۱۶
۵	در برگیری موضوع	۱۰	۱	۱۰
۶	توان تخصصی موجود در کشور و سازمان	۱۰	۸	۵
	جمع	۱۰۰	۲۵	۹۵

بر اساس بررسی تحقیقات انجام پذیرفته شده و رصد موضوعی آنها در سایت‌های مرجع، میزان پرداختن به علوم قرآنی بیش از معارف قرآنی است.

ملاک ارزیابی خلأ پرداختن به موضوع علوم قرآنی: برای تحصیل این آمار، سایت‌های مرجع نورمگز، ایران‌داک، سیکا، خانه کتاب، SID مورد مطالعه قرار گرفت و از مجموع ۷۶۹۹۷۸ پژوهشی که در این راستا انجام شده بود نسبت‌های فوق احصاء شد.

بازار پژوهش موضوع علوم قرآنی: با توجه به اینکه علوم قرآنی صرفاً یک رشته تحصیلی است که به عنوان علم ابزاری برای فهم قرآن کریم مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها بازار پژوهشی آن دانشجویان و گروه‌های علوم قرآنی دانشکده‌ها و مراکز علمی هستند، اما معارف قرآنی بازار پژوهشی به میزان کل جامعه و تمامی وزارتخانه‌ها، مراکز، نهادها و دانشگاه‌ها دارد از این رو بازار پژوهشی در معارف قرآنی به هیچ وجه قابل مقایسه با علوم قرآنی نیست.

تنوع حوزه‌های دانشی مرتبط با علوم قرآنی: طبق درختچه دانشی معارف قرآنی، تنوع دانشی معارف قرآنی بیش از علوم قرآنی است.

میزان تأثیرگذاری مشکلات بر جامعه: علوم قرآنی به عنوان یک رشته علمی مورد توجه است و مشکلات این حوزه صرفاً به اعضای هیئت علمی و دانشجویان و مراکز با این عنوان اختصاص می‌یابد و کاملاً مشکلات صنفی است، اما مشکلات حوزه معارف قرآنی مستقیماً بر کلیت جامعه تأثیر دارد.

در برگیری موضوع: مسلماً معارف قرآنی برای تک تک افراد جامعه مسأله بوده و جامعه آماری به میزان تمام افراد جامعه را شامل می‌شود، اما مسأله علوم قرآنی تعداد افراد وابسته به این رشته در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها را شامل می‌شود.

توان تخصصی موجود در کشور: با توجه به تحقیقات و مطالعات انجام شده در این راستا و توجه بیشتر به مطالعات علوم قرآنی، وضعیت مطالعات معارف قرآنی کمتر مورد توجه بود و لذا کادر تخصصی مجرب در حوزه علوم قرآنی نسبت به معارف قرآنی بیشتر است.

۷. نتیجه‌گیری

علوم قرآنی به دو معنای عام و خاص مورد کاربرد است و معنای عام در دسته «معارفی» که از قرآن استنباط می‌شود» در سه رویکرد «مفردات، تفسیر و تأویل» در بعد «انسان‌شناسی» بیشترین تلاقی را با مباحث علوم تربیتی دارد. علوم تربیتی از حیث منبع، تلاقی علوم تربیتی با دانش قرآنی در بخش تربیت دینی است، از منظر ابعاد وجودی شخصیت مرتبی، تربیت عقلانی، اعتقادی، اخلاقی و عبادی محل تلاقی با کتاب الهی است و از نگاه شرایط مرتبی، همه شقوق آن با قرآن کریم قابل تلاقی است؛ از حیث گستره شمول افراد جامعه نیز وجه عمومی بیشتر نسبت به وجه تخصصی در قرآن کریم مورد التفات است؛ از منظر نقش انتخاب متربیان نیز، هر دو وجه اختیاری و اجباری مورد توجه قرآن کریم است؛ از حیث انواع ساماندهی و اعتبار قانونی نیز آموزش غیر

رسمی مورد توجه قرآن کریم است، از منظر آگاهی تربیت نیز هر دو نوع آگاهانه و غیر آگاهانه مورد توجه قرآن بوده و از منظر هدف تأثیرگذاری نیز سه وجه ایجاد، اصلاحی و بازدارنده مورد توجه این کتاب مقدس است. با توجه به ملاک ارزیابی خلأ پرداختن به موضوع علوم تربیتی، ۶۰ درصد پژوهش‌ها در حوزه آموزش رسمی، ۲۵ درصد آنها در حوزه آموزش سازمانی و ۱۵ درصد آنها در حوزه آموزش غیر رسمی است. در این میان میزان خلأ آموزش غیر رسمی نسبت به آموزش سازمانی نزدیک به دو برابر و نسبت به آموزش رسمی چهار برابر است. همچنین در بررسی این ملاک در دانش قرآن کریم پرداختن به معارف قرآنی از یک خلأ سه برابری نسبت به علوم قرآنی برخوردار است؛ لذا هم آموزش غیر رسمی و هم دانش قرآنی از جهت میزان خلأ پرداختن به موضوع رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند که این نتیجه، پژوهش در این عرصه را معنا دارد می‌کند.

بحث علوم تربیتی، انسان، و هدف اصلی تربیت، رشد استعدادهای انسان است؛ از سوی دیگر مهمترین رسالت قرآن، مهندسی زمینه‌های مستعد دل‌های حق طلب بشر است، از جمله منابع مؤثر در شناخت این نیازها دین است؛ در این بین وظیفه دین در تعیین اهداف تعلیم و تربیت، به نقش آن در زندگی انسان باز می‌گردد؛ محقق با این فرض که غایت هر نوع آموزشی جدای از دست‌بندی‌های موجود تحت عنوان رسمی، غیر رسمی و سازمانی ایجاد یک یادگیری در مخاطب است این طور نتیجه می‌گیرد که هر جا یادگیری‌ای اتفاق می‌افتد یقیناً دانشی به خزانه معلومات فرد اضافه می‌شود که این دانش در نهایت منجر به فراگیری علم در وی خواهد شد با این فرض می‌توان گفت که آموزش در هر نوعی می‌تواند مترادف با علم‌آموزی باشد؛ حال با توجه به این استدلال باید گفت که علم‌آموزی در دین اسلام و به طور خاص در قرآن بسیار مورد توجه بوده و به آن تأکید شده (الزمر، ۹/ طه، ۱۱۴/ فاطر، ۲۵/ البقره، ۲۶۹/ الانعام، ۱۲۲) اما در این بین باتوجه به تعریف آموزش غیررسمی که مختص به یک گروه سنی خاص نبوده و یا الزاماً چارچوب و ضوابط خاص و یا مکانی مشخص را نمی‌طلبد می‌توان گفت هرآنچه که نیاز زندگی در این جهان هستی است اعم از مهارت‌ها، دانش و علوم در هر حیطه و یا رشته‌ای در هر دوره‌ای از زندگی برای تمام آحاد جامعه و در هر سنی می‌تواند در تقسیم‌بندی آموزش‌های غیررسمی قرار بگیرد.

از منظر بازار پژوهش در علوم تربیتی؛ با توجه به اینکه آموزش غیر رسمی توسط تمامی مراکز آموزشی که خارج از ساختار مراکز آموزش رسمی قرار دارند انجام می‌شود اینطور می‌توان نتیجه گرفت که تعداد مراکز در این حوزه بیشتر است و از طرفی با توجه به اولویت‌های ارائه شده از سوی سازمان‌های مختلف نیز این موضوع تأیید می‌شود؛ همچنین از عناوین تحقیقات صورت گرفته در دوره‌های قبل که بیشتر با محوریت موضوعات غیر رسمی بوده مشخص می‌شود که اعتبارات تخصیص یافته بیشتر مصروف این حوزه شده‌اند؛ لذا رتبه اول از حیث بازار پژوهش را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین بازار پژوهش در عرصه معارف قرآنی با توجه به دربرگیری نظام تربیت قرآن کریم (تمام بشریت) همه افشار جامعه را تحت پوشش خواهد داشت. آموزش غیر رسمی گستره وسیعی از آموزش در سطح جامعه را در بر می‌گیرد؛ چراکه هم مجامع رسمی، غیر رسمی و هم نهاد مهم خانواده که مصادیق زیادی را به آن می‌توان نسبت داد را در خود دارد و

نیز رسانه که بخش عظیمی از آموزش را عهده‌دار است. از طرف دیگر آموزش‌های غیر رسمی به استناد تنوع موضوعات کار شده در این حوزه، از بیشترین تنوع پژوهشی برخوردار است.

بر اساس بررسی در نتایج تحقیقات صورت گرفته در حوزه آموزش، این نتیجه حاصل شد که پژوهش‌های مرتبط با آموزش غیر رسمی از فراوانی بیشتری برخوردار بوده و تاثیر انواع این آموزش‌ها بر بسیاری از متغیرهای رفتاری در جوامع آماری مختلف، مثبت ارزیابی شده و یا در صورت عدم آموزش منجر به آثار زیان‌باری شده که این موضوع معلوم می‌دارد که میزان تأثیرگذاری آموزش غیر رسمی نسبت به آموزش رسمی و سازمانی در جامعه بیشتر است. از سوی دیگر علوم قرآنی به عنوان یک رشته علمی مورد توجه است و مشکلات این حوزه صرفاً به اعضای هیئت علمی و دانشجویان و مراکزی با این عنوان اختصاص می‌یابد و کاملاً مشکلات صنفی است، اما مشکلات حوزه معارف قرآنی مستقیماً بر کلیت جامعه تأثیر دارد.

آموزش غیر رسمی؛ جامعه هدفی با گستره جمعیت کل کشور که ۷۶ میلیون نفر اعلام شده است را شامل می‌شود؛ در نتیجه در برگیری آموزش غیر رسمی در اولویت آموزش‌ها نسبت به آموزش رسمی و سازمانی قرار دارد. همچنین با توجه به اینکه معارف قرآنی برای تک‌تک افراد جامعه بوده و خطاب این معارف به تمام بشریت است لذا جامعه آماری آن نیز به میزان تمام افراد جامعه خواهد بود.

اندیشمندان و صاحب‌نظران بیشتر توان علمی خود را معطوف به حوزه آموزش رسمی کرده‌اند و لذا ظرفیت تخصصی موجود در کشور در این حوزه، شرایط بهتری نسبت به دیگر انواع آموزش دارد و در مرتبه بعدی این متخصصان بیشتر به مطالعات مسائل مرتبط با متغیرهای مختلف در حوزه علوم تربیتی و آموزش آنها به کارکنان، معلمان و منابع انسانی همین حوزه پرداخته‌اند که این یعنی مطالعات سازمانی در مرتبه دوم قرار دارد و در مرتبه سوم، آموزش‌های غیر رسمی قرار می‌گیرد. با توجه به این مسأله، تخصص نیروی انسانی موجود در کشور بیشتر در حوزه آموزش رسمی صرف شده است و چندان در مقوله آموزش غیر رسمی و سازمانی موفق نبوده‌ایم. همچنین در دانش قرآنی بیشترین توجه متخصصان بر علوم قرآنی بوده و کمتر توجه به معارف قرآنی گشته لذا کادر تخصصی تربیت یافته در این حوزه نیز کمتر است.

منابع

- ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۲، ۶.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۷). اهداف تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
- افضل نیا، محمد رضا؛ اشکوه، حسین و کلوی، آیلار (۱۳۸۹). بررسی جایگاه آموزش رسمی، غیر رسمی و یادگیری مادام‌العمر در عصر ناپایداری اطلاعات. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۲(۴۵)، ۶۸-۵۷.
- ایزدی مبارکه، کامران (۱۳۷۶). آداب و شروط تفسیر و مفسر. تهران: امیرکبیر.
- باقری، شهلا (۱۳۸۷). نظام آموزش رسمی و غیر رسمی. مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، ۴۰، ۱۲-۱۶.

- بلاغت، سید رضا (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های توسعه علوم انسانی و میان رشته‌های آن در ایران: (مطالعه موردی رشته علوم تربیتی با میان رشته‌های آموزش و پرورش پیش دبستانی، دبستانی و تطبیقی، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۴).
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- حلیبی، علی اصغر (۱۳۷۴). آشنایی با علوم قرآنی. تهران: اساطیر.
- خنجرخانی، ذبیح اله، بختیار نصرآبادی، حسنعلی و ابراهیمی دینایی، آرزو (۱۳۸۸). درآمدی بر ضرورت، جایگاه و انواع مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش عالی. نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، زمستان ۱۳۸۸، ۲(۱)، ۱۶۷-۱۸۶.
- رادمنش، سیدمحمد (۱۳۷۴). آشنایی با علوم قرآنی. تهران: جامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد اول). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صالحی کرمانی، محمدرضا (۱۳۶۹). درآمدی بر علوم قرآنی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی و دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۳۶). المیزان. قم: دارالفکر.
- جوادی آملی، عبد... (۱۳۷۵). رسالت قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۰). روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فرجی دانا، احمد (۱۳۷۹). مطالعات میان‌رشته‌ای: تعامل میان علم اقتصاد و علوم طبیعی و اجتماعی. نشریه سخن سمت.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۳). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: نشر شباهنگ.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نی.
- کاردان، علی محمد (۱۳۷۸). علوم تربیتی: مطالعات میان‌رشته‌ای (قسمت دوم) رابطه علوم تربیتی با فلسفه. سخن سمت.
- گروه مشاورین یونسکو (۱۳۸۲). فرایند برنامه ریزی آموزشی (مترجم: فریده مشایخ). تهران: انتشارات مدرسه.
- محمدی، حمید (۱۳۸۱). مفردات قرآن. قم: دارالذکر.
- محمدی، حیدر و رنجبر، مجید (۱۳۹۱). آموزش ضمن خدمت و بهبود سازمانی. فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی، ۳(۴)، ۱۶-۲۵.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۱). درس‌های معارف قرآن کریم. تهران: دانشگاه الزهرا.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۹۵). مطالعات میان‌رشته‌ای و تکثر روش شناختی برخی ملاحظات و پیشنهادها. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۸(۲)، ۷۴-۵۷.
- نجفی، تکتم؛ آتشی، سید حسین و جعفری، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه وضعیت یادگیری رسمی و غیر رسمی و منابع آن در دانشجویان (مطالعه موردی - دانشگاه افسری امام علی (ع)). فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی، ۴۸(۱۲)، ۱۹۷-۲۲۶.
- نیسی، شادی (۱۳۸۶). مستشرقان و حدیث. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.